



# Cognitive Errors and Biases in Police Operations

 Morteza Talabi<sup>1</sup> |

Assistant Professor, Department of Electronic Warfare and Cyber, Command and Staff University of the I R Army, Tehran, Iran. [mortezatalabi@casu.ac.ir](mailto:mortezatalabi@casu.ac.ir)

## Article Info

### Article type:

Research Article

### Article history:

Received

13 Jul 2025

Received in revised form

15 Aug 2025

Accepted

17 Aug 2025

Published online

23 Aug 2025

### Keywords:

*Cognitive science, police operations, cognitive bias, and cognitive errors*

## ABSTRACT

**Background and Objective:** Cognitive errors and biases in police operations refer to systematic deviations from rational judgment that affect law enforcement decision-making processes. These biases can potentially lead to unjust outcomes, including incorrect decisions and heightened societal tensions. The purpose of the present study is to examine the definitions, causes, and consequences of cognitive biases in policing.

**Methods:** This research is applied in nature and employs a descriptive-analytical approach. It is based on library and documentary studies to explore the definitions, influencing factors, and consequences of cognitive biases in police operations. The selected studies include 32 qualitative articles from reputable academic databases, chosen through purposive sampling and evaluated using the CASP framework.

**Findings:** overload, memory limitations, lack of environmental understanding, and the need to act quickly. The consequences of cognitive biases are incorrect decisions regarding offenders, excessive use of force, ignoring evidence, and a decline in public trust.

**Conclusions:** cognitive biases are a serious challenge for law enforcement and can affect the quality of decision-making and public trust. By increasing awareness of these biases and adopting appropriate strategies, their negative impact on decision-making can be prevented, thereby improving the performance of law enforcement agencies.

**Cite this article:** Talabi, Morteza (2025). Cognitive Errors and Biases in Police Operations. *Scientific Journal of Cognitive Warfare Sciences and Technologies*, 2 (4), 1-20.

DOI: [https://www.jcwst.ir/article\\_225055.html](https://www.jcwst.ir/article_225055.html)



**Publisher:** IRI Military Command and Staff University

## خطاها و سوگیری‌های شناختی در عملیات پلیس

مرتضی طالبی<sup>ID</sup> |

استادیار گروه جنگال و سایبر، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران. mortezatalebi@casu.ac.ir

### چکیده اطلاعات مقاله

<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>تاریخچه مقاله:</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> علوم شناختی، عملیات پلیس، سوگیری شناختی و خطاهای شناختی.</p>	<p><b>زمینه و هدف:</b> خطاها و سوگیری‌های شناختی در عملیات پلیس به‌عنوان نماد انتظام‌بخشی به الگوهای سیستماتیک انحراف از قضاوت عقلانی اشاره دارد که بر فرآیندهای تصمیم‌گیری اجرای قانون تأثیر می‌گذارد و به‌طور بالقوه منجر به نتایج ناعادلانه، از جمله تصمیم‌های نادرست و تشدید تنش‌های جامعه شوند. هدف پژوهش، تعاریف، دلایل و پیامدهای سوگیری‌های شناختی است.</p> <p><b>روش‌ها:</b> این تحقیق از لحاظ ماهیت و هدف «کاربردی» بوده و سعی گردیده با رویکردی توصیفی-تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، تعریف، عوامل تأثیرگذار در بروز سوگیری شناختی و پیامدهای در عملیات پلیس را مورد بررسی قرار دهد. پژوهش‌های منتخب شامل ۳۲ مقاله کیفی از پایگاه‌های معتبر علمی است که به روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس برنامه (CASP) انتخاب شده است.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> دلایل شکل‌گیری سوگیری‌های شناختی شامل؛ اطلاعات بیش‌ازاندازه، محدودیت‌های حافظه، عدم درک محیط و نیاز به سریع عمل کردن است پیامدهای سوگیری‌های شناختی نیز عبارتند از: تصمیم‌گیری‌های نادرست در مورد مجرمان، استفاده بیش‌ازحد از خشونت، نادیده گرفتن شواهد و کاهش اعتماد عمومی است.</p> <p><b>نتیجه‌گیری‌ها:</b> سوگیری‌های شناختی یک چالش جدی برای نیروهای انتظامی هستند و می‌توانند بر کیفیت تصمیم‌گیری و اعتماد عمومی تأثیر بگذارند. با آگاهی از این سوگیری‌ها و اتخاذ راهکارهای مناسب، می‌توان از تأثیرات منفی آن‌ها بر تصمیم‌گیری جلوگیری کرد و به بهبود عملکرد نیروهای انتظامی کمک کرد.</p>
--	--

استناد: طالبی، مرتضی (۱۴۰۴). خطاها و سوگیری‌های شناختی در عملیات پلیس. فصلنامه علمی علوم و فناوری‌های جنگ شناختی، ۲ (۴)، ۱-۲۰.

DOI: [https://www.jcwst.ir/article\\_225055.html](https://www.jcwst.ir/article_225055.html)



ناشر: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران

## مقدمه

برای پیشبرد کارآمد و مؤثر مقاصد و اداره زندگی فردی و اجتماعی، نیاز مبرم به نظم و ترتیب است. باوجوداین نیاز آشکار و اساسی، تحلیل ابعاد و موضوعات مختلف انتظام و امور مرتبط، به‌ویژه در سطح ملی، در جمهوری اسلامی ایران، کمتر موردتوجه علمی قرار گرفته است. نظم و انتظام (نظم‌پذیری)، هدف غایی و فلسفه وجودی قانون قلمداد شده و نظم عمومی، موضوع محوری نظام‌های حقوقی و جامعه‌شناسی به حساب آمده است. یکی از ارکان تأمین انتظام ملی، پلیس و یا در تعبیر کلی در سازمان‌های انتظامی هستند. بنا بر ماده ۳ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، هدف از تشکیل این نیرو، «استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است». یک از الزامات اساسی استقرار نظم و امنیت نیروی کاری متناسب با شرایط و عوامل شغلی و محیطی است. محیط‌های کاری در انواع عملیات پلیس توأم با پیچیدگی، ابهام، عدم قطعیت و تنوع بالایی است. تصمیم‌گیری در محیط‌های پیچیده و آشوبناک که مسائل در آن به‌صورت نوظهور اتفاق می‌افتند، امری پیچیده و غیرقابل‌پیش‌بینی است. تصمیم‌گیری در عملیات پلیسی از آخرین گام‌ها در شروع گام اجرایی است. عامل تصمیم‌گیری به شدت متأثر از عوامل روانی، اجتماعی و فرهنگی نظیر مفاهیم پیشین، طرح‌واره‌ها، مدل‌های ذهنی و آگاهی که از وضعیت‌های مختلف به دست می‌آورند است. در حوزه اقدامات پلیسی، روند تصمیم‌گیری را نمی‌توان با الگوهای سلسله‌مراتبی یا مأموریت محوری و دیدگاه‌های این‌چنینی به‌درستی مدیریت نمود، زیرا عملکرد کارکنان پلیس بر اساس شناختی که از محیط اطراف خود دارند و همچنین میانبرهای ذهنی است که در ذهن این عوامل شکل می‌گیرد است؛ بنابراین تصمیم‌گیری در این شرایط بدون در نظر گرفتن میانبرهای ذهنی عامل‌های شناختی (کارکنان) امکان‌پذیر نیست. لذا تصمیمات عامل‌های شناختی تحت تأثیر مسائل مختلفی از جمله تجربیات گذشته، آموزش، مسائل اعتقادی و درنهایت سوگیری‌ها است که بعضی از این مسائل ذاتاً مثبت و بعضی نتیجه منفی دارند، بنابراین در مواجهه با مسائل مختلف با سطح پیچیدگی متفاوت اکثر کارکنان پلیس به خاطر میانبرهای ذهنی و سوگیری‌های شناختی در اتخاذ تصمیم در ست در شرایط پیچیده و آشوبناک دچار

مشکل می‌شوند و نمی‌توانند از تجارب خود به‌درستی استفاده کنند. در نتیجه ارائه یک ساختار برای شناسایی این سوگیری‌ها و عوامل و منابع آن در کاهش اثرات سوگیری باید مورد توجه قرار گیرد.

این مقاله سعی دارد به سؤالات؛ انواع سوگیری‌ها و میانبرهای ذهنی تأثیرگذار بر روند تصمیم‌گیری در نیروهای انتظامی کدام‌اند؟ و منابع، دلایل و پیامدهای آن چیست؟ پردازد و توصیه‌هایی برای بهبود فرآیند تصمیم‌گیری در پلیس ارائه نماید.

## مرور پیشینه و مبانی نظری

### مرور پیشینه

مایر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۷) هنگامی که میانبرهای شناختی بر سوگیری‌ها در مورد خطرناک بودن اقلیت‌های نژادی تکیه می‌کنند، می‌توانند به نابرابری در استفاده از خشونت کمک کنند. این سوگیری‌ها ممکن است با مواردی که شهروندان دارند تعامل داشته باشند که پتانسیل بیشتری برای نابرابری‌ها ایجاد می‌کند. علاوه بر این، سوگیری‌های افسران پلیس و شهروندان ممکن است تحت تأثیر عواملی مانند آموزش افسران، زمینه اجتماعی و زمان واکنش قرار گیرد.

چارمان، کاوتسکی و مولر (۲۰۱۷) شرکت‌کنندگان ارزش مبهم/تبرئه کننده چهار قطعه شواهد مبهم (شاهدان عینی، ترکیب چهره، نمونه دست خط، شهادت خبرچین) را ارزیابی کردند و سپس باور نهایی خود را در مورد گناه مظنون ارائه کردند. نتایج نشان داد که (الف) باور اولیه گناه افسران پلیس به‌طور قابل توجهی پیش‌بینی کننده ارزیابی آن‌ها از سه نوع شواهد مبهم بود، (ب) این ارزیابی‌های مغرضانه به‌طور قابل توجهی باور نهایی گناه افسران پلیس را پیش‌بینی کرد که نشان‌دهنده یک اثر گلوله برفی سوگیری است و (ج) الگوی اثرات برای افسران پلیس و دانشجویان یکسان بود.

تسلیز<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) موانع شناختی و فرصت‌های پلیس را در قضاوت دقیق در مورد سوءظن فردی مورد بحث قرار می‌دهد. این مقاله با یک فرض ساده آغاز می‌شود: مردم از روش‌های تفکر رایج رنج می‌برند و سود می‌برند و افسران پلیس نیز انسان هستند. در حالی که پلیس

1 Mears

2 Taslitz

از تجربه، آموزش و شهود ناشی از آن بهره‌مند است - مزایایی که افراد عادی فاقد آن هستند - این امر در مورد اکثر افراد در نقش‌های مرتبط با اشتغال صادق است. حتی کسانی که در یک زمینه خاص تخصص دارند، مانند شهود آموزش دیده، همچنان می‌توانند اشتباهات رایج را مرتکب شوند.

استالر زیسر و سوان<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) استدلال می‌کنند که پلیس با چالش‌های جدی در مبارزه با این سوگیری‌های شناختی مواجه است. این چالش‌ها ناشی از ماهیت سوگیری‌های شناختی، منابع آن‌ها و اشتباهاتی است که متخصصان پلیس را در درک خود گمراه می‌کند. نویسندگان این مقاله پیشنهاد می‌کنند که این خطاها مانع تلاش‌های کاهش سوگیری‌های شناختی در مدیریت تعارض پلیس می‌شود. برای درک سیستماتیک سوگیری‌های شناختی و اثرات مضر آن‌ها، این مقاله نتیجه می‌گیرد که اجرای ساختارهای بازتابی در درون پلیس برای بررسی مؤثر تأثیرات خارجی آن‌ها و محدود کردن گسترش سوگیری و خطا در یک چرخه خود تقویت‌کننده ضروری است.

یافته‌های آمس<sup>۲</sup> نشان داد (۲۰۱۸) که سوگیری نژادی ضمنی در بین افسران ثابت نبوده است؛ زمانی که افسران پلیس قبل از آزمایش‌ها خواب کمتری داشتند، ارتباط قوی‌تری بین آمریکایی‌های سیاه‌پوست و سلاح‌ها نشان می‌دادند.

سونسیوس<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) عوامل خطر موقعیتی را در رابطه با تجربیات رایج در گشت‌زنی مدرن پلیس ترسیم می‌کند. به‌طور خاص، شرایط زیر را به‌عنوان عوامل خطری که ممکن است منجر به سوگیری و تبعیض در کار پلیس شود، شناسایی می‌کند: اختیار، وضعیت مبتدی، تمرکز بر جرم، تقاضای شناختی و تهدید هویت. علاوه بر این، مقاله مطالعاتی را که در صورت امکان شامل افسران پلیس در زمینه‌های مرتبط می‌شود، بررسی می‌کند.

دوبه، مک‌آرتور و شاه<sup>۴</sup> (۲۰۲۳) در مورد عواملی که منجر به نتایج منفی در پلیس می‌شود، مانند استفاده بیش از حد از زور و دستگیری‌های غیرضروری، بحث می‌کند و نشان می‌دهد

1 Staller, Mario & Zaiser, Benjamin & Koerner, Swen

2 Ames

3 Dube, O. MacArthur, S. J. & Shah,

4 Swencionis

تقاضاهای شناختی ذاتی که پلیس با آن مواجه است می‌تواند تصمیم‌گیری افسران را تضعیف کند. هنگامی که افسران برای این تقاضاهای شناختی آماده نیستند، ممکن است خیلی سریع به نتیجه‌گیری بپردازند بدون اینکه به‌طور کامل راه‌های جایگزین دیدن یک موقعیت را در نظر بگیرند که می‌تواند منجر به نتایج نامطلوب شود و اثربخشی رویکردهای مبتنی بر رفتار را در بهبود تصمیم‌گیری افسران و نتایج پلیس نشان می‌دهد.

فرانکلین<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) به شش تصور غلط در مورد فرآیندهای روان‌شناختی (درک، حافظه، قضاوت) که شواهد قانونی را شکل می‌دهند می‌پردازد که افسران دارای ادراک، حافظه و قضاوت برتر هستند. تحقیقات به‌طور مداوم نشان داده‌اند که پلیس می‌تواند تحت تأثیر سوگیری‌های شناختی و عدم دقت قرار گیرد.

مترکو و کوپر<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) شواهدی را ارائه می‌کنند که نشان می‌دهد هم افراد عادی و هم متخصصان اجرای قانون در معرض سوگیری تأییدی هستند و عوامل محیطی، فردی و خاص پرونده دیگری وجود دارد که ممکن است این خطر را تشدید کند. اکتشافات روان‌شناختی بخشی سازگار از شناخت انسان هستند که به ما کمک می‌کنند در دنیایی پر از محرک‌های پیچیده به‌طور کارآمد عمل کنیم. با این حال، این میانبرها نیز می‌توانند جستجوی حقیقت را در یک تحقیقات پلیسی تضعیف کنند.

کبل<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۰) در مورد چگونگی تصمیم‌گیری انسان و توانایی‌های پردازش اطلاعات که اغلب به دلیل پیچیدگی‌های دنیای واقعی بهینه نیست و منجر به سوگیری می‌شود مطالعه کرده‌اند. آن‌ها متوجه شدند این مسئله با فشارهای زمینه‌ای مانند محدودیت‌های زمانی، محیط‌های پویا و اهداف متغیر در حوزه اقدامات پلیسی تشدید می‌شود و در ضمن به مکانیسم‌های نوظهور برای مدیریت آن‌ها نیز پرداخته‌اند.

مطالعات فوق به‌طور کلی نشان می‌دهند که سوگیری‌های شناختی یک مشکل جدی در اجرای قانون است. این سوگیری‌ها می‌توانند منجر به نتایج نامطلوبی مانند استفاده بیش‌ازحد از زور، دستگیری‌های نادرست و بی‌اعتمادی جامعه به پلیس شوند. برای کاهش

1 Franklin

2 Meterko, & Cooper

3 Kebbell

تأثیر این سوگیری‌ها، لازم است به عوامل مختلفی از جمله آموزش افسران، طراحی مجدد رویه‌های پلیس و آگاهی‌بخشی به جامعه توجه شود. درک سوگیری شناختی در پلیس برای بهبود عدالت کیفری و روابط بین پلیس و جامعه ضروری است. با شناسایی و کاهش این سوگیری‌ها، می‌توان به ایجاد یک سیستم عدالت کیفری عادلانه‌تر و مؤثرتر کمک کرد.

### مبانی نظری

#### انتظام

«انتظام» از نظر لغوی عبارت است از به نظم شدن (نظم‌پذیری)؛ اتساق (فراهم آمدن و راست و تمام شدن)؛ پیوسته شدن؛ سامان گرفتن؛ برپا شدن و ترتیب یافتن کار و آراستگی. «تنظیم» نیز به معنای نظم‌بخشی (به‌نظم درآوردن) است. در این میان، «نظم» در لغت، به معنای گردآوردن، پیوست نمودن و مقارنت دادن بین اشیای گوناگون است (الزبیدی، ۱۳۰۶ ق). به تعبیر دیگر، «نظم دادن» عبارت است از «استقرار (آرایش‌دهی) یا ترتیب‌بندی مردم یا چیزها در ارتباط با یکدیگر، مطابق ترتیب، الگو، روش یا ویژگی‌هایی خاص». نظم و انتظام، هدف غایی و فلسفه وجودی قانون قلمداد شده و نظم عمومی، موضوع محوری نظام‌های حقوقی و جامعه‌شناسی به حساب می‌آید در نوگورانی، (۱۴۰۱).

#### شناخت و فرآیندهای

شناخت: به فرآیندهای درونی ذهنی و راه‌هایی که به‌وسیله آن‌ها اطلاعات موردتوجه قرار داده‌شده، درک می‌شود و به رمز شده و در حافظه ذخیره می‌شود و در وقت نیاز از حافظه فرامی‌خوانیم و مورد استفاده قرار می‌دهیم، شناخت اطلاق می‌گردد (سیف، ۱۳۸۷: ۲۸۴). فرآیندهای ذهنی به کنش و واکنش‌هایی اطلاق می‌شود که در ذهن تحلیل‌گر اتفاق می‌افتد، به عبارتی فرآیندهای ذهنی، به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که میان رویدادهای محیطی و واکنش انسان قرار می‌گیرند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان تأثیر آن‌ها را در سه مقوله زیر دسته‌بندی کرد: (اصغر زاده و حاجیانی، ۱۴۰: ۱۳۹۵)

الف) رویدادهای شناختی: به افکار و تصورات ذهنی هشیار و قابل‌شناسایی رویدادهای شناختی اطلاق می‌شود. این رویدادها، در جریان هشیاری فرد تحلیل‌گر روی داده و یا در صورت لزوم از ناهشیاری به هشیاری می‌آیند. اگر افکار و تصوراتی به دفعات تکرار شوند، در

آن صورت می‌تواند به صورت ناهشیار درآیند، برخی از اندیشمندان مانند بک<sup>۱</sup> (۱۹۷۶) به چنین رویدادهای شناختی خودکار، عنوان «افکار خودکار<sup>۲</sup>» و مایکن بام<sup>۳</sup> (۱۹۷۷) عنوان «گفتار درونی<sup>۴</sup>» داده‌اند. در واقع افکار خودکار یا گفتارهای درونی آن، چیزهایی هستند که فرد درون خود و به‌گونه‌ای پنهان به خود می‌گوید و جنبه ناهشیار دارند که امکان هشیار شدن را نیز دارا هستند. رویدادهای شناختی در چهار حالت ناهشیار قرار دارند که امکان هشیار شدن را نیز دارا هستند. رویدادهای شناختی در چهار حالت هشیار شده و ارزیابی و تصمیم‌گیری فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند:

۱- در جریان یادگیری اندیشه و یا مهارت علمی جدید؛

۲- زمانی که فرد دست به انتخاب یا قضاوت می‌زند،

۳- در رویارویی با یک موقعیت دشوار و یا حل مسئله‌ای؛

۴- یادآوری.

جایی که تحلیل‌گر به‌وضوح دست به پردازش و تحلیل می‌زند، رویدادهای شناختی مداخله کرده و ارزیابی او را خدشه‌دار می‌سازند. موقعیت‌های تحلیلی، موقعیت‌هایی هستند که در آن یا تحلیل‌گر در حالت دشواری تجزیه و تحلیل داده‌های مربوطه قرار دارد و یا اینکه درصد انتخاب و قضاوت است. نمونه بارز این دسته از فرآیندهای ذهنی، تحلیل‌هایی بوده که در افکار عمومی جامعه آمریکا در مورد وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق شکل گرفت (اصغر زاده و حاجیانی، ۱۳۹۵: ۱۴۰).

ب) فرآیندهای شناختی<sup>۵</sup>: فرآیندهای شناختی یکی دیگر از مؤلفه‌هاست، یعنی طریقه‌ای که با آن اطلاعات پردازش می‌شوند. به سازوکارهای جست‌وجو، ذخیره‌سازی و فرآیندهای استنباط و فراخوانی اطلاعات، فرآیندهای شناختی اطلاق می‌شود (سولسو<sup>۶</sup>، ۱۳۸۸). چنین فرآیندهایی به طریقه خودکار یا ناهشیار عمل می‌کنند، ولی می‌توان به آن‌ها آگاهی یافت.

1 -Beck

2 -Automatic thoughts

3 -Maycan bam

4 -Internal dialoge

5 - Cognitive Processes

6 - Solso

به‌عنوان نمونه‌ای از فرآیندهای شناختی ناهشیار می‌توان به سوگیری‌های «تثبیت‌شده»<sup>۱</sup> اشاره کرد که می‌تواند فرآیند تحلیل اطلاعات را به‌گونه‌ای نابهنجار شکل دهد. درست به همین دلیل است که ابتدا سعی می‌شود در مورد داده‌های اطلاعاتی، یک سوگیری و نظم ذهنی ایجاد شود. وقتی نظام ذهنی شکل گرفت، تحلیل‌گر اغلب بر اساس آن اقدام به قضاوت می‌کند. هشداری که از این یافته عاید تحلیل‌گر می‌شود، این است که باید سعی کند به مورد تحلیلی و سوژه موردنظر به‌گونه‌ای دیگر نگاه کند و از شیوه‌های مرسوم و عادت‌های تحلیلی دست بردارد.

در فرآیندهای شناختی از دو نوع روش دستیابی به راه‌حل‌ها و تصمیم‌گیری سود برده می‌شود: «روش الگویی»<sup>۲</sup> که بر این اساس در تحلیل و تصمیم‌گیری یک سری مراحل از پیش تعیین‌شده‌ای وجود دارد و با تبعیت از آن می‌توان به راه‌حل نائل آمد. در «روش اکتشافی»<sup>۳</sup> برخلاف روش قبلی، تحلیل‌گر از یک‌راه میان‌بر، ساده، واگرا و شهودی تبعیت می‌کند و ضرورتاً تضمین‌کننده راه‌حل نیست، اما از آنجایی که که انسان در شرایطی قرار می‌گیرد که راه‌حل شناخته‌شده‌ای برای آن وجود ندارد (موضوع‌های تحلیلی از نوع امنیتی)؛ بنابراین تحلیل‌گر از الگوی اخیر استفاده کند.

نکته‌ای که در مورد حیطه اطلاعاتی صدق می‌کند، این است که تحلیل‌گر در آن از هر دو روش مطرح‌شده می‌تواند استفاده کند. بهره‌گیری از هر دو راه‌برد نیز متضمن مزایا و معایبی است. از آنجایی که تحلیل‌گر نیازمند الگویی برای تحلیل و گام‌های تعریف‌شده برای حل مشکل است، نیاز به روش الگویی دارد. ولی از آنجاکه موردهای اطلاعاتی اغلب دارای ابهام، پیچیدگی و تازگی هستند و مراحل شناخته‌شده‌ای برای آن وجود ندارد، ناچار به انتخاب الگوی اکتشافی منتج می‌گردد (اصغر زاده و حاجیانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

پ) ساختارهای شناختی<sup>۴</sup>: ساختارهای شناختی، مفروضات و عقایدی هستند که شیوه‌های عادت‌های تفسیر فرد از رویدادها را متأثر می‌سازند. به ساختارهای شناختی عناوینی مانند

1 - Confirmation bias

2 - Algorithmic Method

3 - Heuristic Method

4 - Cognitive Structures

طرح‌واره‌ها و نظم‌های ذهنی نیز اطلاق شده است. ساختارهای شناختی در واقع فرآیند توجه به محرک و سازمان‌دهی و پردازش آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر ساختار شناختی (نظم ذهنی) یک جزء ایده‌ای و یک جزء عاطفی دارد، یعنی نه تنها اطلاعات، بلکه عواطف نیز به رمز درآمده و ذخیره می‌شود. به هر حال ساختارهای شناختی پالایه‌های انتخابی هستند که چگونگی ارزیابی رویدادها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. «نیسر»<sup>۱</sup> (۱۹۷۶) از آن‌ها تحت عنوان نرم‌افزارهای مغزی نام برده است. تحلیل‌گر حوزه امنیتی، مجهز به یکسری نرم‌افزارهای ذهنی بوده که در فرآیند تحلیل اطلاعات وارد عمل شده و بر فرآیند قضاوت اثر می‌گذارند (اسپلک و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

روان‌شناسان به نقش محدودیت‌های فعالیت‌های ذهنی انسان (حافظه، دایره توجه توان استدلال و غیره) در ارزیابی اطلاعات و رسیدن به عمل معطوف به قضاوت پی برده‌اند. این محدودیت‌ها انسان را مجبور می‌کند تا سعی کند در شرایطی با محیط پیچیده پیرامون خود روبه‌رو شود که از راهبردهای ساده‌سازی مختلفی برای درک، نتیجه‌گیری و تصمیم‌گیری استفاده نماید. آزمایش‌های روان‌شناختی متعدد نشان می‌دهند که اغلب فراگردهای ذهنی منجر به قضاوت‌های آمیخته با اشتباه گردند (مرادیان، ۱۳۹۲: ۵۳). طبق نظر دانشمندان حوزه شناخت، دو شیوه تفکر وجود دارد؛ شهودی و منطقی. در تفکر شهودی یا سیستم اول تفکر، برداشت‌ها، تداعی معانی، احساسات، نیات و آمادگی برای اقدام بدون هیچ تلاشی جریان می‌یابند. سیستم اول بازنمایی مداومی از جهان پیرامون بوده و به ما امکان می‌دهد کارهایی نظیر راه رفتن، رد کردن موانع و فکر کردن به چیزی دیگر را هم‌زمان انجام دهیم. برعکس در تفکر منطقی یعنی سیستم دوم، تفکر آرام است، با صرف انرژی انجام می‌گیرد و آگاهانه است. هر دو شیوه تفکر مدام فعال‌اند. سیستم دوم اغلب فقط امور را زیر نظر دارد، اما در اغلب اوقات، این سیستم اول است که تفکرات ما را شکل می‌دهد (هاروارد بیزینس ریویو<sup>۳</sup>، ۱۳۹۹: ۳۲).

---

1 - Neisser

2 Spelke

3 - Harvard Business Review

تصمیمات پلیسی را نیز می‌توان به دو سیستم تقسیم کرد: تفکر سیستم یک و سیستم دو. سیستم یک سریع و واکنشی است و اغلب منجر به تصمیمات تکانشی می‌شود، درحالی‌که سیستم دو بیشتر عمدی و تحلیلی است. درحالی‌که هر دو سیستم مزایای خود را دارند، اتکا به سیستم یک می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری ضعیف و افزایش نرخ خطا در طول حوادث بحرانی شود (روچ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۲).

### سوگیری‌های شناختی<sup>۲</sup>

سوگیری‌های شناختی یا خطاهای شناختی، خطاهایی هستند ذهنی که به‌صورت نظام‌مند به گرایش، نگرش، وهم یا باوری غلط منجر می‌شوند و در تصمیم‌گیری، استدلال، ارزیابی، یادآوری، ادراک و شناخت افراد تأثیر می‌گذارند (نویژن و دیگران، ۲۰۲۰).

سوگیری‌های شناختی مبتنی بر تمامی الگوها و الگوریتم‌های ابداعی است که از بدو تولد به جهت یادگیری، حل مسئله و تصمیم‌گیری در انسان به وجود می‌آید و باعث ایجاد انحراف از واقعیت می‌گردد که به‌موجب آن، نتیجه‌گیری‌هایی که در فرایند مرتبط با تصمیم‌گیری دارد، ممکن است به شکلی غیرمنطقی صورت گیرند.

سوگیری شناختی معمولاً دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- همیشه در انحراف از واقعیت بروز پیدا می‌کند.
- ۲- به‌طور سازمان‌یافته در گروهی از افراد جامعه رخ می‌دهد و نه توسط فقط یک نفر
- ۳- اجتناب از آن بسیار دشوار است حتی اگر به افراد گفته شود
- ۴- در این حالت مسیر تصمیم‌گیری کاملاً متمایز از مسیر درست پردازش اطلاعات در مغز است (طالبی، محجوب و آقایی، ۱۴۰۳).

بنابراین، سوگیری شناختی، درنهایت ممکن است به تحریف درک، قضاوت نادرست، تفسیر غیرمنطقی منجر شود.

سوگیری‌های شناختی به‌طور گسترده در عملیات پلیسی نیز مشهود است. کارکنان پلیس در هنگام، تصمیم‌گیری بر تجربه و شهود خود تکیه می‌کنند که مملو از سوگیری‌های شناختی است. چنین سوگیری‌هایی احتمالاً منجر به تصمیم‌های نا بهینه می‌شوند. درک و

1 Roach

2 Cognitive biases

غلبه بر سوگیری‌های ادراکی و تصمیم‌گیری مرتبط با آن‌ها در امنیت و نظم عمومی، بسیار مهم است، زیرا سوگیری‌ها بر تخصیص منابع و تحلیل تهدیدات امنیتی تأثیر می‌گذارند. پیامدهای سوگیری‌های شناختی فراتر از حوادث فردی است. آن‌ها مسائل سیستمی را در شیوه‌های پلیسی آشکار می‌کنند که می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی را تداوم بخشد. موارد پرمخاطب، مانند محکومیت‌های نادرست تحت تأثیر سوگیری‌های ضمنی، بر نیاز فوری به اصلاحات و ابتکارات آموزشی با هدف کاهش این دام‌های شناختی تأکید می‌کند. استراتژی‌هایی مانند برنامه‌های آموزشی مبتنی بر شواهد و مشارکت جامعه به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان ابزار ضروری در ارتقای مسئولیت‌پذیری و برابری در اجرای قانون شناخته می‌شوند (مترکو و کوپر، ۲۰۲۰).

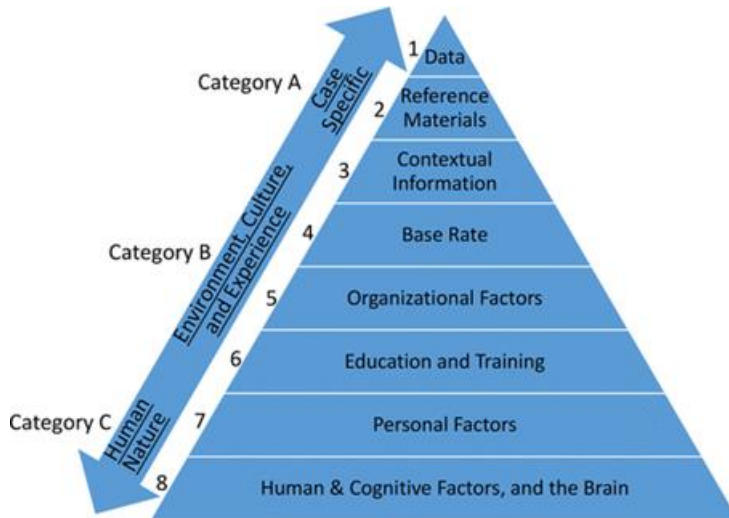
جدول ۱. شش فریب رایج در مورد سوگیری شناختی (مترکو و کوپر، ۲۰۲۰)

ردیف	فریب	باور نادرست
۱	مسائل اخلاقی	فقط برای افراد فاسد و بی‌پروا اتفاق می‌افتد، یک مسئله اخلاقی و صداقت شخصی، یک سؤال از شخصیت فردی.
۲	عدم صلاحیت	بن یک سؤال از صلاحیت است و برای کارکنانی اتفاق می‌افتد که نمی‌دانند چگونه کار خود را به‌درستی انجام دهند.
۳	مصونیت متخصص	متخصصان بی‌طرف هستند و تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند زیرا سوگیری بر متخصصان شایسته‌ای که کار خود را با صداقت انجام می‌دهند تأثیر نمی‌گذارد.
۴	حفاظت فناوریانه	استفاده از فناوری، ابزار دقیق، اتوماسیون یا هوش مصنوعی تضمین‌کننده محافظت در برابر سوگیری‌های انسانی است.
۵	قطعه کور	سایر کارکنان تحت تأثیر سوگیری هستند، اما من نه. من مغرض نیستم؛ این متخصصان دیگر هستند که مغرض هستند.
۶	بوهم کنترل	من می‌دانم که سوگیری بر من تأثیر می‌گذارد، بنابراین می‌توانم بر تأثیر آن کنترل و مقابله کنم. می‌توانم با اراده محض بر سوگیری غلبه کنم.

درور و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) به هشت منبع سوگیری در عملیات پلیسی و قضایی اشاره می‌کند. او نشان می‌دهد که سوگیری شناختی می‌تواند از منابع مختلفی ناشی شود که به

1 Dror, I. E. Melinek, J. Arden, J. L. Kukucka, J. Hawkins, S. Carter, J. & Atherton, D. S.

سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند. گروه A مربوط به سوژه خاص است؛ چیزی که سوژه‌ای خاص باعث سوگیری در نحوه درک، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها می‌شود. منابع دیگر سوگیری شناختی، گروه B، مربوط به فردی است که تعارض را مدیریت می‌کند هیچ ربطی به سوژه خاص ندارند، اما از عواملی ناشی می‌شوند که مربوط به فرد خاصی است که کار را انجام می‌دهد؛ چیزی در مورد آن‌ها (تجربه فردی، آموزش، شخصیت، محیط کار، انگیزه آن‌ها و غیره) که باعث سوگیری می‌شود. منابع بیشتر سوگیری شناختی از گروه C، از طبیعت انسانی، همان معماری شناختی مغز انسان که همه ما به اشتراک می‌گذاریم، صرف‌نظر از مورد خاص یا فرد خاصی که تحلیل را انجام می‌دهد، ناشی می‌شود.



شکل ۱. هشت منبع رایج سوگیری در عملیات پلیسی و قضایی درور و همکاران (۲۰۲۱)

با وجود تلاش‌های مداوم، پرداختن به سوگیری‌های شناختی به دلیل ماهیت فراگیر و مشکل در تغییر باورها و رفتارهای ریشه‌دار، یک چالش پیچیده باقی‌مانده است. تحقیقات مستمر و اصلاحات سیستمی برای توسعه راهبردهای مؤثر برای مبارزه با این سوگیری‌ها و افزایش یکپارچگی شیوه‌های پلیسی، در نهایت تضمین عدالت و انصاف برای همه جوامع حیاتی است (جیمز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

پیامدهای سوگیری‌های شناختی و خطاهای سیستمی در اقدامات پلیسی بسیار عمیق است. آن‌ها نه تنها یکپارچگی تحقیقات را به خطر می‌اندازند، بلکه می‌توانند منجر به محکومیت‌های نادرست و بی‌اعتمادی عمومی به اجرای قانون شوند. همان‌طور که در مطالب تأکید شده است، اهمیت ایجاد رویه‌های ساختاریافته، مشابه چک‌لیست‌های ایمنی در سایر مشاغل پرمخاطب، برای کاهش خطرات ناشی از سوگیری‌های شناختی در پلیس بسیار حیاتی است.

سوگیری‌های شناختی رایج در عملیات پلیس سوگیری‌های شناختی الگوهای سیستماتیک انحراف از هنجار یا عقلانیت در قضاوت هستند که بر نحوه درک، به خاطر سپردن و استدلال افراد در مورد اطلاعات تأثیر می‌گذارد. مطابق پیشینه و مبانی نظری در زمینه عملیات پلیس و تحقیقات جنایی، انواع مختلفی از سوگیری‌های شناختی که می‌توانند بر تصمیم‌گیری و پیگیری حقیقت در کارکنان پلیس تأثیر نامطلوب بگذارند در ادامه آمده است.

#### سوگیری تأیید<sup>۱</sup>

سوگیری تأییدی یکی از مستندترین سوگیری‌های شناختی است که در آن افراد اطلاعاتی را که باورهای موجود آن‌ها را تأیید می‌کند و درعین حال شواهدی را که با آن باورها در تضاد است نادیده می‌گیرند یا کم‌ارزش می‌دانند، ترجیح می‌دهند (لی و لیزنک<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳). این پدیده به‌ویژه در تحقیقات پلیس مرتبط است، جایی که افسران ممکن است شواهدی را که از فرضیات اولیه آن‌ها در مورد یک مظنون یا یک پرونده پشتیبانی می‌کند، اولویت‌بندی کنند که منجر به تفسیرهای نادرست بالقوه داده‌های موجود می‌شود (مترکو و کوپر، ۲۰۲۰). این پدیده می‌تواند منجر به انحراف نتایج تحقیقاتی شود و با استفاده بیش‌ازحد از زور و اعمال تبعیض‌آمیز علیه جوامع به حاشیه رانده شده مرتبط است.

#### اثر دانینگ-کروگر

اثر دانینگ-کروگر یک سوگیری شناختی را توصیف می‌کند که در آن افراد با دانش یا مهارت محدود در یک زمینه خاص، شایستگی خود را بیش‌ازحد ارزیابی می‌کنند. این

1 confirmation bias

2 Lai, & Lisnek

می‌تواند منجر به اعتماد بیش‌ازحد افسران به توانایی‌های تصمیم‌گیری آن‌ها شود، به‌ویژه زمانی که ممکن است آموزش کافی یا تجربه کافی در موقعیت‌های خاص نداشته باشند (گلس، ۲۰۲۴).<sup>۱</sup> تشویق آموزش مداوم و خوداندیشی انتقادی در بین کارکنان مجری قانون برای مقابله با اثر دانینگ-کروگر و بهبود عملکرد کلی ضروری است.

سوگیری ضمنی<sup>۲</sup>

سوگیری‌های ضمنی نگرش‌ها یا کلیشه‌های ناخودآگاهی هستند که بر درک، اعمال و تصمیمات به‌صورت ناخودآگاه تأثیر می‌گذارند. این سوگیری‌ها می‌توانند بر ادراک افسران مجری قانون از افراد بر اساس نژاد، قومیت یا سایر ویژگی‌های شناسایی تأثیر بگذارند و بر تعامل آن‌ها با مظنونان و شاهدان تأثیر بگذارند (آکادمی ملی علوم، ۲۰۱۸).<sup>۳</sup>

تحقیقات نشان داده است که حتی کسانی که آگاهانه ارزش‌های برابری‌خواهانه را تأیید می‌کنند، ممکن است سوگیری‌های ضمنی داشته باشند که می‌تواند بر قضاوت‌های حرفه‌ای آن‌ها تأثیر بگذارد (لی و لیزنک، ۲۰۲۳).<sup>۴</sup>

اثرات اخیر<sup>۴</sup>

اثرات اخیر به تمایل افراد به یادآوری بهتر اطلاعات ارائه‌شده در انتهای یک دنباله در مقایسه با اطلاعات ارائه‌شده قبلی اشاره دارد. در عملیات پلیس، این می‌تواند در نحوه وزن‌گیری افسران شواهد در طول تحقیقات آشکار شود. تحقیقات نشان می‌دهد که شواهدی که بعداً در یک پرونده ارائه می‌شوند ممکن است به‌طور غیرمنصفانه بر تصمیم‌گیری تأثیر بگذارند، حتی زمانی که شواهد قبلی به همان اندازه یا مهم‌تر باشند (مترکو و کوپر، ۲۰۲۰).<sup>۵</sup>

سوگیری در دسترس بودن<sup>۵</sup>

اکتشافی در دسترس بودن یک میانبر ذهنی است که در آن افراد احتمال رویدادها را بر اساس اینکه چگونه به‌راحتی مثال‌ها به ذهن می‌رسند ارزیابی می‌کنند. در یک زمینه

1 Glass, J.

2 Implicit Bias

3 National Academies of Sciences

4 Recency Effects

5 The Availability Heuristic

پلیسی، اگر این موارد به پادماندنی تر باشند یا اخیراً در پوشش رسانه‌ای برجسته شده‌اند، این امر می‌تواند باعث شود که افسران شیوع انواع خاصی از جنایات یا قابلیت اطمینان انواع شواهد خاص را بیش از حد برآورد کنند (مترکو و کوپر، ۲۰۲۰)

سوگیری پسینی<sup>۱</sup>

سوگیری پس‌بینی زمانی رخ می‌دهد که افراد رویدادهای گذشته را قابل پیش‌بینی‌تر از آن زمان حال بدانند. این سوگیری می‌تواند بر ارزیابی پلیس از تصمیم‌هایشان و نتایج پرونده‌ها تأثیر بگذارد و اغلب منجر به قضاوت‌های نادرست درباره اثربخشی استراتژی‌های تحقیقاتی یا قابل پیش‌بینی رفتارهای مشکوک می‌شود (کبل، مولر و مارتین، ۲۰۱۰)

اثر ویژگی مثبت<sup>۲</sup>

اثر ویژگی مثبت، یک گرایش شناختی را توصیف می‌کند که در آن افراد در یک گروه تمایل دارند هنگام تصمیم‌گیری، ارزش یک ویژگی یا ویژگی خاص را بیش از حد تخمین بزنند. در تحقیقات جنایی، این اثر ممکن است باعث شود که افسران به شواهد موجود (مانند شناسایی شاهدان عینی) وزن نامتناسب بدهند و درعین حال اهمیت شواهدی را که وجود ندارند (مانند فقدان اثرانگشت) نادیده بگیرند که می‌تواند به همان اندازه تشخیصی باشد (اسپنسر<sup>۳</sup>، چارونو و گلاسر، ۲۰۱۶)

استدلال مبتنی بر انسجام دوسویه<sup>۴</sup>

این پدیده زمانی اتفاق می‌افتد که افراد به دنبال تطبیق بخش‌های متضاد اطلاعات با تحمیل مصنوعی سازگاری هستند که اغلب منجر به تفسیرهای جانب‌دارانه شواهد می‌شود. در تحقیقات جنایی، این می‌تواند منجر به این شود که افسران یا هیئت‌منصفه از روایت‌هایی که بر اساس برداشت‌های اولیه بیشترین معنا را دارند، بی‌توجه به شواهدی که پرونده را پیچیده می‌کنند، طرفداری کنند (اسپنسر و همکاران، ۲۰۱۶).

1 Hindsight Bias

2 Feature Positive Effect

3 Spencer, K. B. Charbonneau, A. K. & Glaser

4 Bidirectional Coherence-Based Reasoning

درک این سوگیری‌های شناختی برای سازمان‌های مجری قانون با هدف بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و کاهش خطر محکومیت‌های نادرست، حیاتی است. پرداختن به این سوگیری‌ها از طریق آموزش و آگاهی می‌تواند به ایجاد یک محیط تحقیقاتی دقیق‌تر و منصفانه‌تر کمک کند.

### روش‌شناسی

این تحقیق از لحاظ ماهیت و هدف «کاربردی» بوده و سعی گردیده با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کیفی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، تعریف، عوامل تأثیرگذار در بروز سوگیری شناختی و پیامدهای در امور انتظامی را مورد بررسی قرار دهد. روش کیفی به‌عنوان گام اول در شناسایی موضوع مورد مطالعه انتخاب گردید. در مرحله اول ابتدا پیشینه نظری، الگوها و مفاهیم در حوزه خطاها و سوگیری‌های شناختی در اقدامات پلیس و همچنین بررسی پیشینه تجربی و تحقیقات مرتبط مورد توجه قرار گرفت. در مرحله دوم از روش فراترکیب استفاده شده است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که از اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات دیگر با موضوع مرتبط و مشابه استفاده می‌کند. در این روش پژوهشگر داده‌های ثانویه نتایج حاصل از سایر مطالعات را برای پاسخگویی به نتایج خود ترکیب نموده و نتایج جدیدی را به دست می‌آورد (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷). از آنجاکه مطالعات مربوط با خطاها و سوگیری‌های شناختی بیشتر به‌صورت کیفی و بدون داده‌های کمی هست، روش فراترکیب (تحلیل کیفی محتوای مطالعات اولیه) به‌عنوان روشی مناسب برای به دست آوردن ترکیب جامع از مفاهیم خطاها و سوگیری‌های شناختی به‌کاررفته است با استفاده از روش فراترکیب سعی شد با مراجعه به ادبیات نظری و پیشینه پژوهش مؤلفه‌های سوگیری‌های شناختی و مفاهیم مرتبط با آن مشخص شود. در این مرحله الگوی هفت مرحله‌ای (سندلوسکی و باروسو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷) شامل:

---

1 Sandelowski, &Barroso

جدول ارزیابی مقالات مرتبط با سوگیری‌های شناختی در اقدامات پلیس بر اساس معیارهای<sup>۱</sup> (CASP)

۱. مشخص کردن هدف تحقیق

۲. جست‌وجوی نظام‌مند ادبیات پژوهش

۳. جست‌وجو و بررسی مقالات مرتبط

۴. استخراج اطلاعات مقالات

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی

۶. کنترل کیفیت

۷. ارائه یافته‌ها استفاده شد.

برای جست‌وجو در پایگاه داده‌ها، مجلات تخصصی، موتورهای جست‌وجو و همچنین پایگاه‌های فارسی از واژگان کلیدی علوم شناختی، عملیات پلیس، سوگیری شناختی و خطاهای شناختی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ استفاده شده است. در این مرحله محقق با استفاده از کلیدواژه مطرح شده در مقالات Google Scholar و پایگاه‌های داده Science Direct, ISC, Scopus, Irandoc و سایر پایگاه‌های داده مرتبط را مورد بررسی قرار داد. در گام بعدی پژوهشگر به انتخاب مقالات و متونی پرداخته است که در راستای اهداف و سؤالات پژوهش است به محض اینکه مقالات متناسب با پارامترهای مطالعه بررسی شدند، قدم بعدی ارزیابی کیفیت روش شناختی مطالعات در دستور کار قرار گرفت. ابزاری که در این پژوهش برای ارزیابی مقالات کیفی مورد استفاده قرار گرفت، برنامه مهارت ارزیابی حیاتی (CASP) است که با طرح ده سؤال به ما کمک می‌کند تا دقت، اعتبار و اهمیت مطالعات کیفی پژوهش مشخص کنیم. این ابزار بر موارد زیر تأکید می‌کند:

جدول ۲. ارزیابی مقالات مرتبط با سوگیری‌های شناختی در اقدامات پلیس بر اساس معیارهای CASP

1 Critical Appraisal Skills program (CASP)

ردیف	عنوان مقاله	نویسندگان	ارزش پژوهش	بیان روشن یافته‌ها	دقت تجزیه و تحلیل	ملاحظات اخلاقی	انعکاس پذیری	جمع آوری داده‌ها	نمونه‌برداری	طرح پژوهش	منطق روش	اهداف پژوهش

در گام بعدی به منظور اطمینان از قابل قبول بودن و باهدف افزایش دقت ارزیابی مقالات منتخب از روش چک کردن به وسیله مشارکت کنندگان استفاده شده برای این کار مقالات در اختیار کارشناسان حوزه علوم شناختی و انتظامی قرار گرفت و آن‌ها بر اساس چک لیست CASP مقالات منتخب را مورد ارزیابی قرار دادند سپس نتایج حاصل از طریق ضریب توافق کدگذاران با استفاده از شاخص کاپا و با کمک نرم افزار SPSS مورد تأیید قرار گرفت.

جامعه آماری این پژوهش در فراترکیب مقالات و منابع پژوهشی مرتبط با سوگیری‌های شناختی در اقدامات پلیس هستند که در ابتدا ۵۴ مقاله مرتبط با جنگ شناختی شناسایی شدند و با استفاده از چک لیست ارزیابی حیاتی ۳۲ مقاله برای تجزیه و تحلیل انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل کیفی در سه گام انجام می‌گردد. در گام اول دسته‌بندی داده‌ها، سپس پردازش داده‌ها و در نهایت قضاوت (تصمیم‌گیری) صورت می‌پذیرد. دسته‌بندی داده‌ها از اسناد و مدارک در گام نخست انجام گردید. در گام دوم داده‌هایی که باهم تقارب دارند و داده‌هایی که باهم تباین داشته و یا باهم تقاطع دارند مشخص شد تا در گام سوم قضاوت از پردازش داده‌ها به دست آید.

در این پژوهش کیفی به جای روایی و پایایی، از اصطلاح قابلیت اطمینان استفاده می‌شود. به منظور احراز قابلیت اطمینان یافته‌ها، از ملاک‌های قابلیت اطمینان در پژوهش کیفی استفاده شد:

(۱) باورپذیری: برای احراز باورپذیری یافته‌ها، از روش ممبرچک یا بررسی توسط اعضا استفاده می‌شود.

۲) اتکاپذیری: برای احراز این ملاک، از روش کنترل مرحله‌ای و انسجام درونی مراحل پژوهش کیفی استفاده می‌شود.

۳) تاییدپذیری: برای احراز این ملاک، تحلیل‌های کیفی با استفاده از کدگذار ثانوی بازبینی و بررسی می‌شود.

### تجزیه و تحلیل یافته‌ها

حاصل واکاوی متون منابع منتخب، استخراج مجموعه نسبتاً گسترده‌ای از مفاهیم پایه مرتبط با مفاهیم اساسی سوگیری‌های شناختی در اقدامات پلیس گذاشته شدند و مفاهیمی که با یکدیگر اشتراک معنایی و مضمونی داشتند نیز با یکدیگر ادغام شدند. در نهایت با بازبینی و پالایش مکرر مفاهیم استخراج‌شده، به مجموعه منسجمی از تعاریف، دلایل و پیامدهای سوگیری‌های شناختی در اقدامات پلیس با لحاظ کردن معیارهای منتخب تقلیل یافته و همچنین راه‌کارهایی جهت تقلیل آن‌ها ارائه شد.

مطابق مبانی نظری و تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که به‌طور کلی سوگیری‌های شناختی که به‌عنوان خطاهای سیستماتیک در تفکر و قضاوت شناخته می‌شوند، در همه افراد، از جمله کارکنان حوزه انتظامی و پلیس، وجود دارند. این سوگیری‌ها می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر تصمیم‌گیری‌های مهم در این حوزه داشته باشند و به نتایج ناخواسته‌ای منجر شوند.

مطالعات متعدد نشان می‌دهند که افسران پلیس نیز مانند سایر انسان‌ها تحت تأثیر سوگیری‌های شناختی قرار می‌گیرند. این سوگیری‌ها می‌توانند به شکل‌های مختلفی بر تصمیم‌گیری‌های پلیس تأثیر بگذارند و منجر به نتایج نامطلوبی مانند تبعیض، خشونت و بی‌عدالتی شوند.

مطابق پیشینه پژوهش سوگیری‌های شناختی رایج در پلیس عبارتند از:

- سوگیری تائید: تمایل به جستجو و تفسیر اطلاعات به گونه‌ای که باورهای قبلی را تأیید کند.
- اثر دانینگ-کروگر: ارزیابی بیش از حد توانایی‌های خود.
- سوگیری ضمنی: نگرش‌ها یا کلیشه‌های ناخودآگاه که بر درک و رفتار تأثیر می‌گذارند.

- اثرات اخیر: تأثیر بیش از حد بر اطلاعات ارائه‌شده در انتهای یک دنباله.
  - سوگیری در دسترس بودن: ارزیابی احتمال وقوع رویدادها بر اساس سهولت یادآوری مثال‌ها.
  - سوگیری پسینی: تصور اینکه رویدادهای گذشته قابل پیش‌بینی‌تر بوده‌اند.
  - اثر ویژگی مثبت: بیش از حد ارزش‌گذاری یک ویژگی خاص.
  - استدلال مبتنی بر انسجام دوسویه: تطبیق بخش‌های متضاد اطلاعات برای ایجاد یک روایت منسجم.
- در خصوص عوامل مؤثر بر سوگیری‌های شناختی در پلیس نیز موارد زیر شناسایی شد:
- آموزش: نوع آموزش و محتوای آن
  - تجربه: تجربیات قبلی افسران
  - فرهنگ سازمانی: فرهنگ سازمانی پلیس
  - فشارهای محیطی: محدودیت‌های زمانی، تهدید جانی، انتظار جامعه
- مطابق نظر پژوهشگران راهکارهای زیر جهت مقابله با سوگیری‌های شناختی پیشنهاد شده است:
- آموزش جامع: ارائه آموزش‌های مداوم در مورد سوگیری‌های شناختی
  - تنوع در نیروی پلیس: افزایش تنوع در نیروی پلیس
  - شفافیت و پاسخگویی: ایجاد سیستم‌های شفاف و پاسخگو
  - استفاده از فناوری: استفاده از فناوری‌های جدید مانند دوربین‌های همراه و تحلیل داده‌ها
- به طور کلی دلایل شکل‌گیری سوگیری‌های شناختی در چهار بخش قابل تقسیم‌بندی است:
- اطلاعات بیش‌ازاندازه (ذهن ناچار است که مقدار زیادی از آن را فیلتر کند).
  - عدم درک محیط (ذهن ناچار است تا با ساختن ارتباطات بین پدیده‌ها و سایر چیزها راهی برای درک محیط پیچیده بیابد).
  - نیاز به سریع عمل کردن
  - محدودیت‌های حافظه.
- مطالعه پیشینه حاکی از آن است که پیامدهای سوگیری‌های شناختی فراتر از حوادث فردی است. آن‌ها مسائل سیستمی را در شیوه‌های پلیسی آشکار می‌کنند که می‌تواند

نابرابری‌های اجتماعی را تداوم بخشد. برخی از پیامدهای سوگیری‌های شناختی بر تصمیم‌گیری در نیروهای انتظامی عبارتند از:

- تصمیم‌گیری‌های نادرست در مورد مجرمان: سوگیری‌های شناختی می‌توانند منجر به قضاوت‌های نادرست درباره مجرمان، از جمله برجسب‌زنی و تعمیم‌دهی بر اساس ویژگی‌های ظاهری یا نژادی شوند.
- استفاده بیش‌ازحد از زور: در برخی موارد، سوگیری‌های شناختی می‌توانند به استفاده بیش‌ازحد از زور توسط نیروهای انتظامی منجر شوند، به‌ویژه در برخورد با افراد از اقلیت‌ها یا گروه‌های اجتماعی خاص.
- نادیده گرفتن شواهد: سوگیری تأیید می‌تواند منجر به نادیده گرفتن شواهدی شود که با باورهای قبلی کارکنان پلیس در مورد یک پرونده مغایرت دارد.
- کاهش اعتماد عمومی: تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر سوگیری‌های شناختی می‌توانند به کاهش اعتماد عمومی به نیروهای انتظامی منجر شوند.
- محکومیت‌های نادرست: سوگیری‌ها می‌توانند منجر به محکومیت افراد بی‌گناه شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری:

در این مقاله، به بررسی رایج‌ترین سوگیری‌های شناختی در حوزه انتظامی و به‌طور ویژه پلیس به‌عنوان نماد انتظام بخشی در امنیت عمومی شامل سوگیری تأیید، سوگیری ضمنی، اثرات اخیر، سوگیری در دسترس بودن، سوگیری پس‌بینی، اثر ویژگی مثبت، استدلال مبتنی بر انسجام دوسویه و تأثیرات آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های کلیدی پرداخته شد. یافته‌های این پژوهش را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد:

۱. شناسایی و تعریف سوگیری‌های شناختی: پژوهش انواع مختلفی از سوگیری‌های شناختی را که در تصمیم‌گیری پلیس نقش دارند، شناسایی و تعریف کرده است.
۲. علل و عوامل مؤثر بر سوگیری‌های شناختی: پژوهش به بررسی دلایل شکل‌گیری این سوگیری‌ها پرداخته و عوامل مؤثر بر آن‌ها را مشخص کرده است.

۳. پیامدها و راهکارها: پژوهش به بررسی پیامدهای سوگیری‌های شناختی بر تصمیم‌گیری پلیس پرداخته و راهکارهایی برای کاهش این سوگیری‌ها ارائه کرده است.

کارکنان پلیس اغلب بر ظن منطقی به‌عنوان مبنایی برای اقدامات اجرایی خود تکیه می‌کنند که مستلزم حقایق ملموس و قابل‌بیان است که نشان‌دهنده فعالیت مجرمانه است. با این حال، عوامل انسانی، از جمله سوگیری‌های شناختی، می‌توانند توانایی کارکنان پلیس برای پایبندی به این استاندارد را مختل کنند که منجر به تصمیماتی می‌شود که به‌جای شواهد عینی مبتنی بر استدلال ناقص است با وجود تلاش‌های مداوم، پرداختن به سوگیری‌های شناختی به دلیل ماهیت فراگیر و مشکل در تغییر باورها و رفتارهای ریشه‌دار، یک چالش پیچیده باقی‌مانده است. تحقیقات مستمر و اصلاحات سیستمی برای توسعه راهبردهای مؤثر برای مبارزه با این سوگیری‌ها و افزایش یکپارچگی شیوه‌های پلیسی، در نهایت تضمین عدالت و انصاف برای همه جوامع حیاتی است. کاهش تأثیر سوگیری‌های شناختی در عملیات پلیس نیازمند یک رویکرد چندوجهی است که به عوامل فردی و نهادی بپردازد. تحقیقات راهبردهای مختلفی را برای کاهش اثرات سوگیری‌های شناختی و افزایش فرآیندهای تصمیم‌گیری در مجریان قانون شناسایی کرده است. یکی از راهبردهای اولیه شامل اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند با هدف افزایش آگاهی افسران پلیس در مورد سوگیری‌های شناختی است. چنین برنامه‌هایی می‌توانند به افسران کمک کنند تا سوگیری‌های خود را تشخیص دهند و تکنیک‌هایی را برای مقابله با آن‌ها بیاموزند. اصلاحات نهادی فراتر از آموزش فردی، اصلاحات سیستمی برای رسیدگی به علل ریشه‌ای سوگیری‌های شناختی در پلیس بسیار مهم است. سیاست‌های سازمانی باید مورد بررسی دقیق قرار گرفته و اصلاح شوند تا شیوه‌هایی را که باعث اختلال می‌شوند حذف شوند. سوگیری‌های شناختی یک چالش جدی برای نیروهای انتظامی هستند که می‌توانند بر کیفیت تصمیم‌گیری و اعتماد عمومی تأثیر بگذارند. با آگاهی از این سوگیری‌ها و اتخاذ راهکارهای مناسب، می‌توان از تأثیرات منفی آن‌ها بر تصمیم‌گیری جلوگیری کرد و به بهبود عملکرد نیروهای انتظامی کمک کرد. استراتژی‌هایی مانند برنامه‌های آموزشی مبتنی بر شواهد و مشارکت جامعه به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان ابزار ضروری در ارتقاء مسئولیت‌پذیری و برابری در اجرای قانون شناخته می‌شوند.

در ادامه به تعدادی از راهکارهای کاهش تأثیر سوگیری‌های شناختی اشاره شده است.

- آموزش و آگاهی‌بخشی: آموزش نیروهای انتظامی در مورد سوگیری‌های شناختی و تأثیرات آن‌ها بر تصمیم‌گیری.
- استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری ساخت‌یافته: استفاده از چک‌لیست‌ها، الگوریتم‌ها و روش‌های دیگر برای کاهش تأثیر قضاوت‌های ذهنی.
- تنوع در تیم‌های تصمیم‌گیری: تشکیل تیم‌های تصمیم‌گیری با تنوع در زمینه‌های مختلف و دیدگاه‌ها برای کاهش احتمال تأثیر سوگیری‌های یک فرد.
- استفاده از فناوری: استفاده از فناوری‌های جدید مانند هوش مصنوعی برای کمک به تصمیم‌گیری و کاهش خطاهای انسانی.
- نظارت و ارزیابی مستمر: ایجاد سیستم‌های نظارتی برای ارزیابی تصمیمات و شناسایی الگوهای سوگیری.

### پیشنهادها

سوگیری‌های شناختی می‌توانند به شدت بر تصمیم‌گیری‌های پلیس، به‌ویژه در شرایط پرتنش، تأثیرگذار باشند. این سوگیری‌ها می‌توانند منجر به برخوردهای ناعادلانه، خشونت و حتی تلفات جانی شوند. به همین دلیل، کاهش سوگیری‌های شناختی در نیروهای پلیس از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در زیر به برخی از پیشنهادها برای کاهش این سوگیری‌ها اشاره شده است:

### آموزش و آگاهی‌سازی

- آموزش‌های مداوم: برگزاری دوره‌های آموزشی منظم در مورد سوگیری‌های شناختی، روانشناسی اجتماعی و حقوق بشر برای تمامی کارکنان پلیس.
  - شناخت انواع سوگیری: آشنایی دقیق پلیس با انواع سوگیری‌های شناختی.
- تغییر در رویه‌ها و ساختارها
- تنوع در نیروی پلیس: افزایش تنوع در نیروی پلیس از نظر نژاد، جنسیت، قومیت و پیشینه اجتماعی برای کاهش سوگیری‌ها.
  - استفاده از دوربین‌های بدن: استفاده گسترده از دوربین‌های بدن برای ثبت تعاملات پلیس با شهروندان برای افزایش شفافیت و پاسخگویی.

- سیستم‌های گزارش‌دهی: ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی شفاف و کارآمد برای رسیدگی به شکایات علیه پلیس و اعمال اقدامات انضباطی در صورت لزوم.
  - تأکید بر استفاده از زور قانونی: آموزش و تأکید بر استفاده از حداقل نیروی لازم و روش‌های غیر خشونت‌آمیز در کنترل جمعیت.
  - ارزیابی عملکرد بر اساس معیارهای چندگانه: ارزیابی عملکرد پلیس نه تنها بر اساس تعداد دستگیری‌ها بلکه بر اساس شاخص‌هایی مانند رضایت شهروندان، کاهش جرم و کاهش شکایات.
- تغییر در فرهنگ سازمانی
- ایجاد محیطی مبتنی بر اعتماد: ایجاد محیطی در سازمان پلیس که در آن افسران احساس کنند می‌توانند اشتباهات خود را بدون ترس از تبعات بیان کنند.
  - ترویج ارزش‌های اخلاقی: تقویت ارزش‌های اخلاقی مانند عدالت، برابری و احترام به حقوق بشر در سازمان پلیس.
  - مشاوره روانشناسی: ارائه خدمات مشاوره روانشناسی به افسران برای کمک به آن‌ها در مدیریت استرس و بهبود سلامت روان.
- همکاری با جامعه
- برگزاری جلسات مشترک: برگزاری جلسات مشترک بین پلیس و جامعه برای افزایش اعتماد و درک متقابل.
  - برنامه‌های آموزشی برای جامعه: اجرای برنامه‌های آموزشی برای جامعه در مورد حقوق شهروندی و تعامل با پلیس.
- استفاده از فناوری
- الگوریتم‌های عادلانه: استفاده از الگوریتم‌های پیش‌بینی کننده جرم که عاری از سوگیری باشند.
  - ابزارهای تحلیل داده: استفاده از ابزارهای تحلیل داده برای شناسایی الگوهای سوگیری در داده‌های پلیس.
- کاهش سوگیری‌های شناختی در پلیس یک فرایند طولانی و پیچیده است که نیازمند تلاش همه‌جانبه و همکاری تمامی نهادهای مرتبط است. پیشنهادها زیر هم برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌گردد:

- نقش فرهنگ‌سازمانی در تقویت یا کاهش سوگیری‌های شناختی
- تأثیر تنش و فشار کاری بر شدت سوگیری‌های شناختی
- نقش فناوری در کاهش سوگیری‌های شناختی در تصمیم‌گیری‌های پیچیده
- اهمیت آموزش اخلاق حرفه‌ای به نیروهای انتظامی برای کاهش سوگیری‌ها

## منابع

- اصغرزاده، مجید و حاجیانی (۱۳۹۵)، «تبیین سازوکارهای تأثیر اقدامات عملیات روانی از منظر رویکرد شناختی»، دو فصلنامه مقابله با عملیات روانی، سال اول، شماره ۱، تهران.
- دری نوگورانی، حسین. (۱۴۰۱). بازپژوهی انتظام ملی؛ چيستی و چگونگی در جهت نظریه‌پردازی، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، / سال هفتم / شماره ۴ (پیاپی ۲۶) - زمستان ۱۴۰۱
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۷)؛ روان‌شناسی پرورشی نوین (روان‌شناسی یادگیری و آموزش) نشر روان.
- سولوسو، رابرت آل (۱۳۸۸)، روان‌شناسی شناختی، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: انتشارات رشد.
- طالبی، مرتضی، محجوب، حسن و آقای، محسن. (۱۴۰۳). مؤلفه‌های آمادگی شناختی دفاع سایبری در حوزه نظامی، فصلنامه علوم و فنون نظامی

- مرادیان، محسن (۱۳۹۲)، «شاخص‌های اصلی سنجش قدرت نظامی کشورها»، کنگره سراسری اقتدار علمی - اقتدار ملی، تهران.
- هاروارد بیزینس ریویو (۱۳۹۹)، درباره مدیریت خود، ترجمه سید محمد تقی‌زاده مطلق، تهران.
- Ames, L. (2018). The stability of implicit racial bias in police officers. *Journal of Police and Criminal Psychology*, 21(1), 1-9. <https://doi.org/10.1177/1098611117732974>
- Charman, S. D. Kavetski, M. & Mueller, D. H. (2017). Cognitive bias in the legal system: Police officers evaluate ambiguous evidence in a belief-consistent manner. *Journal of Applied Research in Memory and Cognition*, 6(2), 193-202. <https://doi.org/10.1016/j.jarmac.2017.02.001>
- Dror, I. E. Melinek, J. Arden, J. L. Kukucka, J. Hawkins, S. Carter, J. & Atherton, D. S. (2021). Cognitive bias in forensic pathology decisions. *Journal of Forensic Sciences*, 66(1), 1-7. <https://doi.org/10.1111/1556-4029.14697>
- Dube, O. MacArthur, S. J. & Shah, A. K. (2023). A Cognitive View of Policing. NBER Working Paper No. w31651
- Franklin, N. (2022). Misconceptions about superior cognition in police: A closer look. *Journal of Applied Research in Memory and Cognition*, 11(2), 179-181.
- Glass, J. (2024). Disrupting the effects of implicit bias: The case of discretion & policing. *Daedalus*, 153(1), 151. [https://doi.org/10.1162/daed\\_a\\_02053](https://doi.org/10.1162/daed_a_02053)
- James, L. (2018). The stability of implicit racial bias in police officers. *Police Quarterly*, 21(1), 30-52
- Keibell, M. R. Muller, D. A. & Martin, K. (2010). Understanding and managing bias. In G. Bammer (Ed.), *Dealing with uncertainties in policing serious crime*. ANU E Press
- Lai, C. K. & Lisnek, J. A. (2023). The impact of implicit-bias-oriented diversity training on police officers' beliefs, motivations, and actions. *Psychological Science*, 34(4), 424-434. <https://doi.org/10.1177/09567976221150617>
- Mears, D. P. Craig, M. O. Stewart, E. A. & Warren, P. Y. (2017). Thinking fast, not slow: How cognitive biases may contribute to racial disparities in the

use of force in police-citizen encounters. *Journal of Criminal Justice*, 53, 12-24. <https://doi.org/10.1016/j.jcrimjus.2017.09.001>

- Meterko, V. & Cooper, G. (2020). Cognitive biases in criminal case evaluation: A review of the research. *Journal of Police and Criminal Psychology*, 35(4), 352-362. <https://doi.org/10.1007/s11896-020-09425-8>
- National Academies of Sciences, Engineering, and Medicine. (2018). Proactive policing: Effects on crime and communities. David Weisburd & Malay K. Majmundar (Eds). National Academies Press
- Nuijten, Arno, Nick Benschop, Antoinette Rijsenbilt and Kristinka Wilmlink (2020). Cognitive Biases in Critical Decisions Facing SME Entrepreneurs: An External Accountants' Perspective <https://doi.org/10.3390/admsci1004008>
- Roach, J. Alexander, R. and Pease, K. (2012) 'Signal Crimes and Signal Policing' *The Police Journal*, 85 (2), pp. 161-168
- Sandelowski, M. & Barroso, J (2007). Handbook for synthesizing qualitative research. Springer Publishing Company, Inc. 11 West 42nd Street New York, NY 10036
- Spelke, Elizabeth William Hirst, Ulric Neisser (2002), Skills of divided attention, Volume 4, Issue 3, 1976, 215-230
- Spencer, K. B. Charbonneau, A. K. & Glaser, J. (2016). Implicit bias and policing. *Social Problems*, 63(1), 17-38. <https://doi.org/10.1111/spc3.12210>
- Swencionis, J. K. & Goff, P. A. (2017). The psychological science of racial bias and policing. *Psychology, Public Policy, and Law*, 23(4), 1
- Staller, Mario & Zaiser, Benjamin & Koerner, Swen. (2021). The Problem of Entanglement: Biases and Fallacies in Police Conflict Management. [10.13140/RG.2.2.31394.76481](https://doi.org/10.13140/RG.2.2.31394.76481)
- Taslitz, A. E. (2011). Police are people too: Cognitive obstacles to, and opportunities for, police getting the individualized suspicion judgment right. *Ohio State Journal of Criminal Law*, 8(7). 1 .